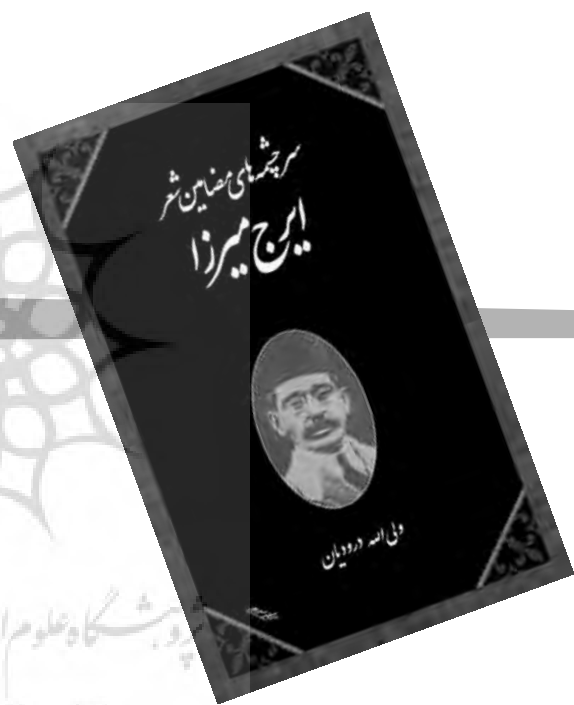


ایرج و دیگران

سرچشمه‌های مضامین شعر ایرج میرزا دومین اثری است که ولی‌الله درودیان، شاعر و پژوهنده معاصر در حوزه ادبیات تطبیقی پدید آورده است. وی در اثر نخست خود، در جستجوی سرچشمه‌های الهام شاعران، (نشر چشمه ۱۳۶۹) مضامینی را که شش شاعر معاصر علی‌اکبر دهخدا، پروین اعتصامی، شهریار، ادیب‌الممالک فراهانی، پرویز ناتل خانلری و مهدی اخوان ثالث از منابع ایرانی و انیرانی وام کرده با بینش و قریحه خویش بازآفریده بودند، آورده است. این گونه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که داد و ستد مضامین ادبی در میان ملت‌ها دیرینه سال و کاری عادی و ضروری است، چرا که بر غنای فرهنگ‌های افزایش و نشان می‌دهد که اگر مردمان گوناگون در جاهای مختلفی می‌زیند که مصر و عراق و شام نام دارند، خداوندان هنر و فرهنگ به وطنی عام و جهانی نیز می‌نگرند که به پهناى جهان است و نامش مصر و عراق و شام نیست و پیشرفت و الایش فرهنگی را در داد و ستد آگاهی و دانش و هنر می‌دانند.

وام کردن مضمونی از نویسنده یا شاعری دیگر یا از اساطیر و افسانه‌ها و قصه‌های خودی و بیگانه را سرقت ادبی نباید تلقی کرد. آن مضامین به علت ژرفای معنی و چندساحتی بودن، در نزد هر شاعر و نویسنده به رنگی درمی‌آید و جلوه‌ای دیگر می‌کند. اگر به یاد آوریم سخن میکال آنژ را که گفته بود «پیکره خود در سنگ پنهان است. کار من برداشتن بخشهای زائد سنگ است.»، درمی‌یابیم که برگرفتن هر مضمون و بازآفرینی آن به دست هنرمند راستین، همانند بیرون آوردن پیکره از سنگی است نتراشیده و کژ و مژ. آنچه مهم است، نبوغ هنرمند وام‌گیر است که چونان میکال آنژ از سنگ، پیکری

زیبا بیرون آورد و بتواند اثری پدید آورد که با همه سنج‌های هنری فراتر از نمونه پیشین باشد. به هر حال، درودیان که کار را در اثر پیشین ناتمام دانسته، پژوهش خویش را پی گرفته و اینک دومین اثر خود را درباره مضامینی که ایرج میرزا از منابع ایرانی و انیرانی وام کرده بررسی و خاستگاه آنها را نشان داده است. اشعاری که درودیان نشان داده که ایرج مضامین آنها را از دیگران برگرفته هفده مورد است که درخشان‌ترینشان «شاه و جام»، «هدیه عشق» و «قلب مادر» است. هدیه عشق و قلب مادر در زیبایی و مایه عاطفی در میان فارسی‌زبانان آوازه است، به ویژه هدیه عشق برگزیده روزنامه اقدام از میان چندین سروده از ادیبان و شاعران بنام آن روزگار است. هنرنمایی ایرج در سرودن این شعر و زبانی که به کار گرفته و مفاهیم و اصطلاحات و ضرب‌المثلهایی که به کار برده نشان چیره‌دستی فوق‌العاده اوست و نیز نشان آن است که ایرج در بازآفرینی مضامینی که برمی‌گرفته بیش از حد انتظار کامیاب بوده است. در میان اشعاری که درودیان از دیوان ایرج میرزا آورده جای منظومه زیبا و غنایی زهره و منوچهر خالی و باعث افسوس است. این منظومه بازآفرینی قطعه نوس و ادوینس سروده ویلیام شکسپیر است، که ایرج آن را پیروزمندانه بومی کرده و نشان فریحه خود و مهر جامعه و روزگار خویش را بر آن نهاده است. چونان که خواننده بی‌خبر از اصل داستان باور نمی‌کند که زهره و منوچهر ریشه‌اش در فرهنگی دیگر و سروده شاعری از سرزمین دیگر است. سروده شکسپیر داستان دلدادگی ونوس الهه عشق و زیبایی و رویش در یونان و روم باستان است که خود خاستگاه از سوریه دارد. ایرج زهره و منوچهر را بر بنیاد آن اما با



- سرچشمه‌های مضامین شعر ایرج میرزا
- ولی الله درودیان
- انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۸۱

یارای به کار بردن زبان توده‌ها به آن گستردگی نبود. البته، آن دو، زبان کوی و برزن را در طنز و فکاهه به کار می‌گرفتند؛ اشعار جدی دهخدا زبانی سنگین و ادیبانه داشت، و اشرف‌الدین نیز شعر جدی درخور توجهی نسروده است. چه خوب بود که درودیان که در برخورد با پیچ‌لاخهای اداری نتوانسته است این منظومه زیبا را در کتاب بگنجانند، دست‌کم شرح آن را با مقایسه با خاستگاه آن می‌آورد.

درودیان پیشگفتاری کوتاه بر کتاب نوشته و دو گفتار بلند به نامهای «ایرج نام‌آور ناشناخته» (که نام نویسنده‌اش نیامده)، و «چند و چون وطن خواهی در شعر ایرج میرزا» نوشته دکتر باقر صدری‌نیا را در آغاز کتاب آورده که چند و چون شعر ایرج را روشن می‌سازد. روش درودیان چنین است که نخست شعری از ایرج و سپس مضمون آن را که ایرج از آثار دیگران برگرفته نقل کرده است. و با این کار نشان داده که یک مضمون چگونه دست به دست شده و در نزد هرکس چه رنگ و جلوه‌ای یافته است. برای نمونه، شعر «شاه و جام»، بازسروده شعری از شیلر به نام «غواص» است، و چنانکه درودیان نوشته «نظیره‌هایی در اسرار التوحید و منطق الطیر» دارد، و عبدالرحمان جامی نیز در **سبحة‌الابرار** قطعه‌ای شبیه به آن دارد که خود آن را از جاحظ گرفته است. بنابراین، پژوهش درودیان بدان سبب که ما را به چگونگی داد و ستد آثار ادبی و بازآفرینی آنها به دست هنرمندانی از نسله‌ها و فرهنگهای دیگر آگاه می‌سازد ستودنی است و خواننده تیزبین زود درمی‌یابد که این‌گونه کارها نه به قصد مچ‌گیری و سبک کردن هنرمندان که برای افزودن بر دانش و آگاهی جامعه است.

رنگ و جلوه‌ای کاملاً ایرانی سروده است. منظومه سروده ایرج از دلدادگی زهره به جوانی سپاهی و پرازرم سخن می‌گوید. جوان که صلابت سپاهیگری و جانبازی در راه وطن را بر هوای نفس رجحان می‌نهد در برابر دلبری‌های زهره ایستادگی می‌کند، و فرآیند منظومه به سوی متفاوت با «نوس و ادونیس» سیر می‌کند. زبان شکسپیر با شکوه و سخته به شیوه فاحس این تراژدی‌نویس بزرگ است، و ایرج زبانی نرم، رنگین، ساده و بی‌تکلف به کار می‌گیرد، و واژگان و اصطلاحات و تکیه کلام‌هایش را از زبان مردم کوی و برزن می‌گیرد تا شکوهمندی آن را فروگذارد و بر شیرینی و دلکشی تغزل بیفزاید. «جلد سوم از قمر و مشتری»، «فرق، لاله‌زار، حضرت اشرف، رادیوم، ارکان سپاه، راپورت، قلعه بگی، ماژر، نظام، راندوو، سردوشی چکمه، واکسیل بند همه برگرفته از زبان کوچه و دستگاه دیوانی و ارتشی روزگار ایرج است که به کاربردنش در چنان منظومه‌ای دلیری می‌خواهد بی شک جز دهخدا و سیداشرف‌الدین گیلانی کسی را